

## آینده مقاومت اسلامی در یمن براساس نظریه حرکت و ضد حرکت

ابراهیم برزگر<sup>۱</sup>،  
لیلا کریمی فرد<sup>۲\*</sup>

### چکیده

تحولات یمن در دهه های اخیر نشان داده که مقاومت اسلامی در این کشور از یک نیروی محلی فراتر رفته و به بازیگری مؤثر در موازنه قدرت در غرب آسیا تبدیل شده است. این پژوهش با هدف واکاوی سیر حرکت جنبش انصارالله و تحلیل آینده آن در پرتو نظریه «حرکت و ضد حرکت» ابراهیم برزگر انجام شده است. پرسش اصلی پژوهش این است که جنبش انصارالله در چارچوب نظریه حرکت و ضد حرکت چه مراحل طی کرده و چشم انداز آینده آن چگونه است. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر تحلیل

۱- استاد تمام، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: [barzegar@atu.ac.ir](mailto:barzegar@atu.ac.ir)

۲- دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، گرایش آینده پژوهی انقلاب دانشگاه جامع انقلاب

Email: [karimifardleila@gmail.com](mailto:karimifardleila@gmail.com)

اسلامی (نویسنده مسئول).

محتوای اسنادی بوده و داده‌ها از منابع معتبر داخلی و بین‌المللی گردآوری شده است. چارچوب مفهومی پژوهش بر نظریه ابراهیم برزگر استوار بوده عناصر کلیدی آن شامل بیداری، توشه، میدان، زمان، همراهان، ضد همراهان و غایت است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنبش انصارالله با بهره‌گیری از رهبری هوشمند، پشتوانه مردمی، سرمایه ایدئولوژیک و پیوند راهبردی با محور مقاومت توانسته مراحل نخستین حرکت را پشت سر گذاشته و جایگاه سیاسی-اجتماعی خود را تثبیت کند. در مقابل، ضد حرکت‌ها شامل ائتلاف سعودی، جریان‌های تکفیری و حامیان غربی، علی‌رغم فشارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی، نتوانسته‌اند حرکت آن را متوقف کنند. تحلیل نتایج بیانگر آن است که آینده مقاومت اسلامی یمن در گرو تقویت مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی و استمرار پیوند با جبهه مقاومت است؛ عاملی که نه تنها بقای این جریان را تضمین می‌کند، بلکه ظرفیت گسترش آن به سطح منطقه‌ای را فراهم می‌آورد. بر این اساس، این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه حرکت و ضد حرکت، مسیرهای احتمالی آینده جنبش انصارالله و جریان مقاومت اسلامی یمن را به‌طور نظام‌مند ترسیم می‌کند.

#### کلیدواژه‌ها:

مقاومت اسلامی، انصارالله، یمن، آینده پژوهی، نظریه حرکت و ضد حرکت، محور مقاومت.

## ۱. مقدمه

تحولات غرب آسیا در دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از خیزش‌های موسوم به بیداری اسلامی، ساختار قدرت و نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی را به‌طور چشمگیری متحول کرده است. این تغییرات نشان داده است که جنبش‌ها و جریان‌های اجتماعی-سیاسی فراتر از مرزهای ملی عمل کرده و توان تأثیرگذاری در معادلات منطقه‌ای را دارند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این تحول، مقاومت اسلامی در یمن با محوریت جنبش انصارالله است؛ جریانی که از یک حرکت محلی برخاسته و به تدریج به نیرویی فراملی و اثرگذار در موازنه قدرت در غرب آسیا تبدیل شده است. جنگ تحمیلی علیه یمن، اگرچه فشارهای گسترده سیاسی، نظامی و اقتصادی را تحمیل کرده است، اما نتوانسته حرکت انصارالله را متوقف کند. این جنبش در سایه رهبری هوشمند، پشتوانه مردمی، سرمایه‌ایدئولوژیک و پیوند راهبردی با محور مقاومت، توانسته جایگاه سیاسی-اجتماعی خود را تثبیت کرده و ظرفیت بازدارندگی و نفوذ منطقه‌ای پیدا کند. با این حال، آینده مقاومت اسلامی در یمن همچنان در تعادل میان نیروهای حرکت و ضدحرکت قرار دارد. عناصر حرکت شامل رهبری دینی، گفتمان انقلابی، پشتوانه اجتماعی و ظرفیت‌های میدانی هستند، درحالی‌که ضدحرکت‌ها شامل ائتلاف سعودی، جریان‌های تکفیری و فشارهای غربی عمل می‌کنند. این پویایی پیچیده، نیازمند چارچوبی نظری است که بتواند ابعاد ایدئولوژیک، میدانی، گفتمانی و اجتماعی این جریان را تبیین کند. نظریه «حرکت و ضدحرکت» ابراهیم برزگر، با تأکید بر عناصر بیداری، توشه، میدان، زمان، همراهان، ضدهمراهان و غایت، ظرفیت مناسبی برای تحلیل روندها و سناریوهای آینده مقاومت اسلامی در یمن فراهم می‌آورد. بر این اساس، مسئله پژوهش این است که آینده جنبش انصارالله و جریان مقاومت اسلامی یمن براساس نظریه حرکت و ضدحرکت چگونه

قابل تحلیل است. هدف این پژوهش نیز بررسی روند تحول و چشم‌انداز آینده مقاومت اسلامی یمن با انطباق مفاهیم کلیدی این نظریه با واقعیت‌های میدانی و گفتمانی این جریان است.

## ۲. ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

### ۲-۱. چارچوب نظری

نظریه «حرکت و ضدحرکت» ابراهیم برزگر از جمله چارچوب‌های بومی در حوزه علوم سیاسی و اندیشه انقلاب اسلامی است که ظرفیت بالایی برای تحلیل تحولات جوامع مسلمان دارد. این نظریه با الهام از جهان بینی اسلامی، حرکت اجتماعی را به منزله جریانی هدفمند و سازمان یافته معرفی می‌کند که در برابر وضعیت ایستا یا واپس‌گرای جامعه قرار می‌گیرد. در مقابل، ضدحرکت مجموعه نیروهایی است که تلاش می‌کنند این حرکت را متوقف یا منحرف کنند. تمایز اصلی این نظریه در آن است که برخلاف الگوهای غربی، تغییر اجتماعی را نه صرفاً فرایندی سیاسی یا ساختاری، بلکه حرکتی عمیق با ابعاد ایدئولوژیک، فرهنگی و تمدنی می‌بیند. برزگر همچنین بر مفهوم «امتداد» تأکید می‌کند؛ به این معنا که حرکت انقلابی قابلیت سرایت و گسترش از یک جامعه به جامعه‌ای دیگر دارد. این نگاه، تحلیل روند گسترش محور مقاومت و نقش آفرینی جنبش انصارالله را معنادارتر می‌سازد.

عناصر اصلی این نظریه شامل بیداری، توشه، میدان، زمان، همراهان، ضدحرکت و غایت هستند. بیداری به معنای آگاهی اجتماعی و سیاسی است که ضرورت تغییر را بر جامعه آشکار می‌سازد. توشه، مجموعه سرمایه‌های مادی، معنوی و ایدئولوژیک است که استمرار حرکت را امکان‌پذیر می‌سازد. میدان، عرصه تحقق حرکت در ابعاد نظامی، سیاسی و رسانه‌ای است و زمان به مثابه مرحله‌بندی حرکت از آغاز تا تثبیت و گسترش

عمل می‌کند. همراهان، نیروهای پشتیبان حرکت‌اند و در مقابل، ضدحرکت مجموعه نیروهای مخالفی است که از طریق فشار نظامی، اقتصادی و روانی درصدد توقف آن برمی‌آیند. نهایتاً غایت به معنای مقصد و هدف نهایی حرکت است که می‌تواند استقلال، عدالت یا برپایی نظم نوین باشد (برزگر، ۱۴۰۳: ۴).

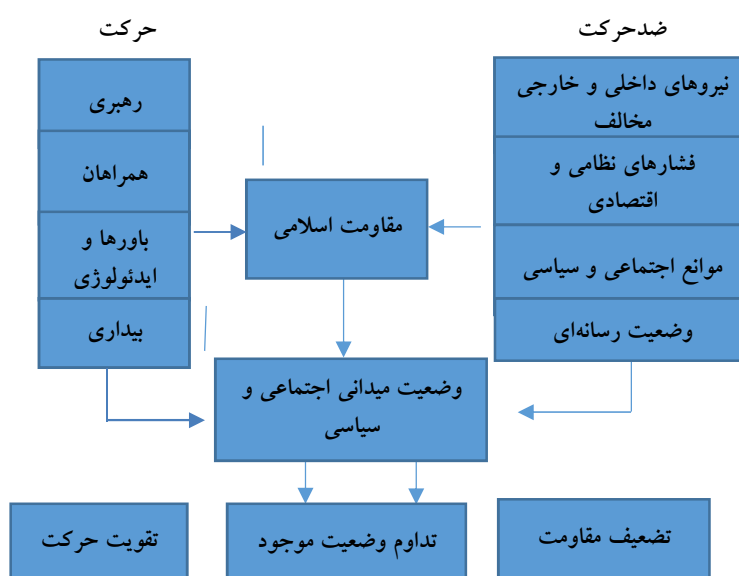
براساس مؤلفه‌های نظریه برزگر، حرکت دارای عناصری چون «بیداری» (آگاهی و انگیزش برای تغییر)، «توشه» (پشتوانه تاریخی و ایدئولوژیک)، «میدان» (عرصه تحقق و آزمایش حرکت)، «همراهان» (نیروهای اجتماعی و سیاسی همسو) و «غایت» (هدف نهایی و الهی حرکت) است. در برابر این عناصر، «ضدحرکت» با مؤلفه‌هایی همچون «ضدهمراهان» (قدرت‌های متخاصم و جریان‌های معارض)، «بار» (مشکلات و موانع ساختاری) و «میدان‌های تحمیلی» (جنگ‌ها و فشارهای بیرونی) تعریف می‌شود (برزگر، ۱۴۰۲: ۱۲). به کارگیری این چارچوب در پژوهش حاضر، امکان تحلیل مقاومت اسلامی در یمن را نه صرفاً در سطح یک جنبش سیاسی، بلکه به عنوان حرکتی تاریخی و تمدنی فراهم می‌سازد که در برابر نیروهای ضدحرکت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد.

انطباق این مؤلفه‌ها با واقعیت‌های یمن نشان می‌دهد که بیداری سیاسی و دینی مردم، پایه‌گذار مقاومت ضد استکباری در برابر سلطه خارجی بوده است. توشه این حرکت در آموزه‌های قرآنی، فرهنگ عاشورا، رهبری دینی و همچنین حمایت‌های معنوی محور مقاومت ریشه دارد. میدان اصلی این حرکت، جنگ همه‌جانبه یمن است که در آن نظامی‌گری، رسانه و دیپلماسی به هم پیوند خورده‌اند. از منظر زمانی، جنبش انصارالله از مرحله بقا عبور کرده و به سمت تثبیت و سپس گسترش در سطح منطقه‌ای در حرکت است. همراهان این حرکت را می‌توان در مردم یمن، قبایل هم‌پیمان و گروه‌های محور مقاومت شناسایی کرد، درحالی‌که ائتلاف سعودی، جریان‌های تکفیری و فشارهای غربی مهم‌ترین نیروهای ضدحرکت‌اند. غایت این مسیر نیز دستیابی به استقلال کامل، ایجاد

حکومتی باثبات و ایفای نقش فعال در نظم جدید منطقه‌ای است.

بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر مدلی مفهومی ارائه می‌دهد که با استفاده از مؤلفه‌های نظریه حرکت و ضدحرکت، آینده مقاومت اسلامی یمن را تبیین می‌کند. این مدل نشان می‌دهد که سرنوشت مقاومت یمن نه صرفاً تابع فشارهای خارجی، بلکه نتیجه توازن میان نیروهای حرکت و ضدحرکت است. هر چه مؤلفه‌هایی همچون بیداری، توشه و همراهان تقویت شوند و حرکت در میدان زمان به درستی مدیریت شود، احتمال دستیابی به غایت و ایفای نقشی مؤثر در نظم نوین منطقه‌ای افزایش خواهد یافت.

مدل مفهومی شماره ۱. مؤلفه‌های حرکت و ضدحرکت



مدل مفهومی این پژوهش براساس نظریه حرکت و ضدحرکت طراحی شده و رابطه میان مؤلفه‌های کلیدی حرکت (رهبری، همراهان، باورهای ایدئولوژیک، بیداری،

توانمندی میدانی و هدف نهایی) و مؤلفه‌های ضدحرکت (نیروهای خارجی و داخلی مخالف، فشارهای نظامی و اقتصادی، موانع اجتماعی و سیاسی) را در چارچوب پویایی‌های مقاومت اسلامی یمن نشان می‌دهد. در این مدل، حرکت مقاومت با بهره‌گیری از رهبری کاریزماتیک و انسجام اجتماعی، توانمندی‌های میدانی و ایدئولوژی انقلابی، ظرفیت غلبه بر موانع و تحقق اهداف خود را پیدا می‌کند. در مقابل، ضدحرکت با فشارهای نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای تلاش دارد روند حرکت را محدود و تأثیرگذاری آن را کاهش دهد. تعامل دینامیک میان حرکت و ضدحرکت، وضعیت میدانی، اجتماعی و سیاسی مقاومت را شکل می‌دهد و تعیین‌کننده سناریوهای آینده این جنبش در سطح ملی و منطقه‌ای است. این مدل مفهومی به پژوهشگران امکان می‌دهد تا با شناسایی نقاط قوت حرکت و موانع ضدحرکت، روند تحول مقاومت و چشم‌انداز آن را تحلیل و پیش‌بینی کنند.

جدول شماره ۱. مبانی نظری

مداخل نظریه حرکت و ضدحرکت	تعریف مفهومی در نظریه	مصادیق در مقاومت اسلامی یمن
بیداری	آگاهی جمعی نسبت به ظلم و نیاز به تغییر	بیداری دینی و سیاسی مردم یمن در برابر تجاوز خارجی؛ تأکید انصارالله بر جهاد تبیین و آگاهی امت
تغییر مسیر	چرخش‌های استراتژیک یا بازنگری در مسیر حرکت در واکنش به تحولات و فشارها، عبور از انفعال به کنشگری انقلابی	گسترش دامنه درگیری به عمق خاک عربستان و امارات؛ بازنگری در رویکردها براساس وضعیت میدانی، تغییر رویکرد انصارالله از اعتراض به مبارزه ساختاری
حرکت و اقدام عملی	شروع تلاش هدفمند در جهت تحول	مبارزه نظامی و سیاسی علیه حکومت و ائتلاف سعودی
زمان	استفاده از فرصت‌های مناسب تاریخی	بهره‌برداری از بحران‌های داخلی یمن و خلأ قدرت

مداخل نظریه حرکت و ضد حرکت	تعریف مفهومی در نظریه	مصادق در مقاومت اسلامی یمن
توشه راه	سرمایه‌های مادی و معنوی در مسیر حرکت (ایدئولوژی، ارزش‌ها، باورها و انگیزه‌های حرکتی)	ایدئولوژی مقاومت اسلامی، الهام از عاشورا، فرهنگ شهادت، شعارهای ضد استکباری، ایمان دینی، حمایت مردمی، توان نظامی و ایدئولوژی مقاومت
بار (شرایط ناپذیرا)	موانع و فشارهای خارجی و داخلی	تحریم‌ها، حملات نظامی، محاصره اقتصادی
بین‌راه	چالش‌ها و فراز و نشیب‌های مسیر حرکت	مذاکرات، اختلافات داخلی، فشارهای سازمان ملل
غایت	اهداف نهایی و آرمان‌های فرارونده حرکت	استقلال، آزادسازی یمن، تشکیل دولت واحد مقاوم، نقش تمدنی در محور مقاومت و امت‌سازی اسلامی
مقاومت	پایداری در برابر موانع	پایداری نظامی و فکری انصارالله در جنگ
خداهمراهی	ایمان به تأیید الهی در مسیر حق	شعارهای قرآنی انصارالله و باور به نصرت الهی
پیشگامان	الگوهای اولیه حرکت	شهادت انقلاب یمن، اندیشه‌های رهبران انقلابی
امام و رهبری	رهبری الهام‌بخش و جهت‌دهنده	سید عبدالملک الحوثی به‌عنوان رهبر الهام‌بخش
همراهان	کنشگران داخلی و خارجی همسو با حرکت	ایران، حزب‌الله، برخی قبایل یمنی، ارتش و کمیته‌های مردمی؛ جریان‌های مردمی منطقه
ضدهمراهان	نیروها و ساختارهای مانع حرکت در سطح داخلی و بین‌المللی	عربستان، امارات، آمریکا، اسرائیل، دولت مستعفی یمن، جریان‌های جدایی‌طلب جنوب، تحریم‌ها و رسانه‌های غربی

## ۲-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در سال‌های اخیر به بررسی تحولات یمن و جایگاه جنبش انصارالله پرداخته‌اند. بخشی از این پژوهش‌ها بر ابعاد سیاسی و امنیتی بحران یمن تمرکز داشته‌اند؛

برای نمونه، برخی پژوهش‌ها نقش ائتلاف سعودی و پیامدهای آن بر توازن قوا در یمن را تحلیل کرده‌اند. گروه دیگری از مطالعات به بررسی ابعاد منطقه‌ای و ژئوپلیتیک بحران پرداخته‌اند و یمن را به‌عنوان بخشی از معادله رقابت ایران و عربستان در غرب آسیا تحلیل کرده‌اند. در کنار این‌ها، شماری از تحقیقات نیز بر نقش ایدئولوژی و گفتمان مقاومت اسلامی در پایداری جنبش انصارالله تأکید کرده‌اند و آن را عامل اصلی بقا و تثبیت این جریان دانسته‌اند. در این بخش، برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط مرور می‌شود:

جدول شماره ۲. پیشینه پژوهش

نویسنده(گان) روش استفاده‌شده	هدف یا سوال اصلی	یافته‌ها
برزگر، (۱۴۰۳)، کیفی و بنیادی، با رویکرد تحلیل نظری	نظریه حرکت و ضدحرکت چگونه می‌تواند چارچوبی بومی و کاربردی برای تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی فراهم آورد؟	نظریه جدیدی برای تحلیل بازتاب انقلاب با تمرکز بر واکنش‌های حرکت و مقاومت ارائه شده است. انقلاب به‌صورت ترکیبی از حرکت (پذیرش) و ضدحرکت (مقاومت) در بازتاب‌های سیاسی و اجتماعی نمود یافته است.
وقوفی، (۱۳۹۹)، توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از ترکیب ابزار کتابخانه‌ای، مصاحبه و پانل خبرگی	نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت و پشتیبانی از مردم یمن چیست؟	یافته‌ها نشان می‌دهند که ایران در ابعاد گسترده‌ای - سیاسی، بشردوستانه، رسانه‌ای، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی - حمایت خود را از مردم یمن سازمان‌دهی و اجرا نموده است.
خواجه سروی و سوری، (۱۴۰۳)، روش تحلیل روند	مهم‌ترین پیشران‌های نبرد ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل ۲۰۳۰ کدام‌اند؟	آینده نبرد ترکیبی محور مقاومت با اسرائیل بیش از هر چیز تابعی از پیشران‌های «دسترسی به فناوری‌های نوین»، «توانایی ائتلاف‌سازی منطقه‌ای»، «توانایی بازدارندگی شناختی و تصویرسازی» و «ایجاد فرهنگ

نویسنده(گان) روش استفاده شده	هدف یا سوال اصلی	یافته‌ها
		راهبردی» است.
نصر اصفهانی، ترجمان و کاظمی، (۱۴۰۲)، کیفی با رویکرد تحلیلی- اسنادی	واکاوی آینده جایگاه محور مقاومت در پرتو هندسه قدرت جهانی	قدرت نوظهور جهانی، احیاء قدرت اسلام و عظمت تشیع در سطح جهان، انقلاب اسلامی عامل تشکیل و استمرار سایر نهضت‌های اسلامی، شکل‌گیری موازنه قدرت در منطقه غرب آسیا و جهان است.
محمدی، نجات پور، نوروزی، (۱۴۰۲)، مطالعات کیفی، روش آینده پژوهی- سناریوپردازی	نسبت «مفهوم مقاومت اسلامی» با توجه به تحولات معاصر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، با دهه پنجم انقلاب اسلامی چگونه است؟	نخست، گذار از رویکرد تأثیر خطی انقلاب اسلامی بر ایده مقاومت و نمایان شدن ارتباط متقابل و غیرخطی دو گفتمان بر یکدیگر، دوم، ایجاد پایداری نسبی در روابط به‌جای فرازوفرودهای ناپایدار پیشین، سوم، گذار از روابط ساده پیشین و ورود به‌نوعی از پیچیدگی در سطح و عمق ارتباطات دو گفتمان و چهارم، همسو نمودن دیپلماسی رسمی و غیررسمی جهت نیل به اهداف مشخص در هر دو گفتمان.
محسنی، (۱۴۰۱)، روش تحلیلی-توصیفی و براساس گردآوری اسنادی داده‌ها	متغیرهای اصلی تأثیرگذار بر آینده زنجیره مقاومت چیست؟	متغیرهایی مانند انسجام درونی جریان مقاومت، حمایت مردمی، پویایی گفتمان مقاومت، نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و شدت فشارهای نظام سلطه، نقش تعیین‌کننده‌ای در آینده زنجیره مقاومت دارند. تأکید شده که استمرار گفتمان وحدت‌بخش و حفظ ارتباط گفتمانی رهبران محور مقاومت با ملت‌ها، برای تقویت آینده آن ضروری است.
محمودی و باقری،	بررسی نقش محور مقاومت	جبهه مقاومت با محوریت ایران و تکیه بر

نویسنده(گان) روش استفاده شده	هدف یا سوال اصلی	یافته‌ها
(۱۳۹۷)، استفاده از نظریه نظام جهانی والرشتاین و روش تحلیلی - توصیفی	در مقابله با نظام سلطه و آینده این نظام	آرمان‌های اسلامی در منطقه توانسته مشروعیت نظام سلطه را به چالش کشیده و قدرت آن را به تحلیل ببرد.
غفاری هشجین، محمدی و نیکونهاد، رویکرد (۱۴۰۰)، سناریوسازی و استفاده از مصاحبه خبرگانی	سناریوهای پیش روی آینده محور مقاومت براساس عدم قطعیت‌های بحرانی کدامند؟	پژوهش با شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی مانند تغییر در رویکرد سیاست خارجی قدرت‌های فرامنطقه‌ای، میزان انسجام درونی محور مقاومت و تحولات ژئوپلیتیکی منطقه، سه سناریو ترسیم کرده است: سناریوی پیش‌رونده (افزایش قدرت و هم‌افزایی محور مقاومت)، سناریوی رکود (ثبات نسبی بدون گسترش) و سناریوی واگرایی و تضعیف.

با وجود این، مرور ادبیات موجود نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های پیشین یا به بررسی ابعاد امنیتی و سیاسی بحران یمن پرداخته‌اند یا صرفاً تحولات میدانی این کشور را مطالعه کرده‌اند. کمتر پژوهشی به استفاده از چارچوب‌های مفهومی بومی برای تحلیل آینده مقاومت اسلامی یمن توجه داشته است. به ویژه، تاکنون پژوهشی که نظریه حرکت و ضد حرکت را به طور مستقیم برای تبیین روندها و سناریوهای آتی جنبش انصارالله به کار گیرد، یافت نمی‌شود. از این رو، مقاله حاضر درصدد پر کردن این خلأ و ارائه تحلیلی بدیل نسبت به پژوهش‌های پیشین است.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی - تحلیلی است و با رویکردی تفسیری به بررسی روند و

آینده مقاومت اسلامی در یمن می‌پردازد. پژوهش‌های کیفی در علوم انسانی و اجتماعی برای تحلیل پدیده‌های چندبعدی و پیچیده مناسب هستند، زیرا امکان تفسیر مفاهیم و روابط فراتر از داده‌های کمی را فراهم می‌آورند و دیدی عمیق نسبت به ساختار و فرآیندهای پدیده‌ها ارائه می‌دهند (Flick, 2014; Denzin & Lincoln, 2018: 12-16).

داده‌های پژوهش از طریق تحلیل محتوای اسنادی گردآوری شده‌اند. این روش با تمرکز بر متون مکتوب، گزارش‌های معتبر و اسناد رسمی، امکان استخراج مفاهیم کلیدی و تبیین روابط میان آن‌ها را فراهم می‌سازد. منابع مورد استفاده شامل اسناد رسمی، گزارش‌های پژوهشی، آثار منتشر شده درباره تحولات یمن و محور مقاومت و داده‌های معتبر ثانویه بوده است (Krippendorff, 2004; Mayring, 2014: 65-72). استفاده از داده‌های اسنادی، علاوه بر فراهم کردن پشتوانه علمی، امکان بازسازی روند تاریخی و تحلیلی حرکت و ضدحرکت در یمن را نیز مهیا می‌کند.

فرایند تحلیل داده‌ها در این پژوهش در سه مرحله اصلی انجام گرفته است. در گام نخست، کدگذاری اولیه برای شناسایی مضامین و مفاهیم مرتبط با عناصر کلیدی نظریه حرکت و ضدحرکت صورت گرفت. این مرحله شامل بررسی دقیق متون، شناسایی مفاهیم تکرارشونده و تعیین شاخص‌های اولیه برای هر عنصر نظریه بود.

در مرحله دوم، داده‌های استخراج شده براساس چارچوب مفهومی نظریه طبقه‌بندی و سازمان‌دهی شدند. این گام امکان مقایسه و تبیین ساختاری مؤلفه‌ها را فراهم می‌کرد و به روشن شدن نحوه تعامل عناصر حرکت و ضدحرکت با یکدیگر کمک نمود. سازمان‌دهی داده‌ها براساس مفاهیم بیداری، توشه، میدان، زمان، همراهان، ضدهمراهان و غایت، به پژوهش این امکان را می‌داد که جریان تحولات یمن را در قالبی منسجم تحلیل کند.

در مرحله نهایی، با تکیه بر نتایج دو مرحله پیشین، روابط میان مؤلفه‌ها تحلیل شد و سناریوهای احتمالی آینده مقاومت اسلامی در یمن استخراج گردید. این مرحله شامل

شناسایی الگوهای تکرارشونده، ارزیابی نقاط قوت و ضعف حرکت و ضد حرکت و ترسیم چشم‌اندازهای احتمالی براساس شواهد موجود بود.

به‌طورکلی، این رویکرد، مبتنی بر داده‌های اسنادی و چارچوب نظری بومی، زمینه را برای ترسیم تصویری منسجم و آینده‌نگر از روند تحول مقاومت اسلامی در یمن فراهم می‌کند و امکان تحلیل نظام‌مند روابط میان مؤلفه‌های حرکت و ضد حرکت و پیش‌بینی مسیرهای احتمالی آن را ایجاد می‌نماید.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

مقاومت اسلامی یمن با محوریت جنبش انصارالله، در چارچوب نظریه «حرکت و ضد حرکت» ابراهیم برزگر، با مجموعه‌ای از مؤلفه‌های داخلی و خارجی مواجه است که آینده این حرکت را شکل می‌دهند. تحلیل این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که جنبش انصارالله با بهره‌گیری از رهبری الهام‌بخش، حمایت مردمی و ظرفیت‌های ایدئولوژیک و نظامی، توانسته است علی‌رغم فشارهای شدید ضد حرکت، بقا و تثبیت سیاسی خود را تضمین کند و نقش مؤثری در محور مقاومت منطقه‌ای ایفا نماید.

#### ۴-۱. مؤلفه‌های حرکت

یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های حرکت، رهبری سید عبدالملک بدرالدین الحوثی است. وی با تکیه بر مشروعیت دینی و کاریزمای ایدئولوژیک، نقش محوری در انسجام و هدایت جنبش ایفا می‌کند (Brehony, 2015). رهبری هوشمندانه الحوثی سبب شده است که تصمیم‌گیری‌های نظامی و سیاسی جنبش، با هماهنگی و تمرکز بالایی انجام شود و انسجام داخلی مقاومت تقویت گردد.

عامل دوم، بیداری و آگاهی سیاسی-اجتماعی مردم یمن است. تداوم جنگ و

مداخلات خارجی موجب افزایش سطح آگاهی عمومی شده و مقاومت را از یک جریان محدود محلی به یک نیروی ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده است (Juneau, 2020). این فرایند آگاهی‌بخشی، انگیزه اجتماعی برای حضور گسترده در عرصه‌های نظامی و سیاسی را تقویت کرده و ظرفیت بسیج مردمی جنبش را افزایش داده است.

عامل سوم، پشتوانه تاریخی و ایدئولوژیک جنبش است. ریشه‌های مذهبی و هویتی انصارالله که با آموزه‌های زیدی و گفتمان مقاومت اسلامی پیوند دارد، نقش مهمی در استمرار حرکت ایفا می‌کند (Salmoni, Loidolt, & Wells, 2010). این توشه فکری و ایدئولوژیک، علاوه بر مشروعیت بخشی، موجب ایجاد انسجام درونی و انگیزه بالای اعضای جنبش شده است.

عامل چهارم، همراهی مردمی است. حمایت گسترده اجتماعی و حضور فعال مردم در صحنه‌های نظامی و سیاسی، یکی از مهم‌ترین پشتوانه‌های انصارالله در برابر فشارهای خارجی به‌شمار می‌رود (Al-Muslimi, 2019). این همراهی نه تنها توان بازدارندگی جنبش را افزایش می‌دهد، بلکه مشروعیت آن را نیز در سطح ملی و منطقه‌ای تقویت می‌کند.

عامل پنجم، غایت مندی حرکت است؛ هدف نهایی مقاومت، خروج از سلطه خارجی و تحقق استقلال سیاسی و هویتی، در قالب پیوند با محور مقاومت منطقه‌ای، است (International Crisis Group, 2022). روشن بودن هدف و جهت حرکت، موجب افزایش انگیزه و انسجام در میان نیروهای مقاومت شده و ظرفیت دوام و گسترش جنبش را بالا برده است.

همچنین توان نظامی و بازدارندگی مقاومت از عناصر کلیدی حرکت محسوب می‌شود. انصارالله با بهره‌گیری از فناوری موشکی و پهپادی، دامنه عملیات خود را به فراتر از مرزهای یمن گسترش داده و اهدافی در امارات و عربستان را هدف قرار داده است که این امر نشان‌دهنده شکل‌گیری یک بازدارندگی مؤثر در میدان نبرد است (Sana'a Center, 2025).

پیوند ایدئولوژیک و فکری با جمهوری اسلامی ایران و پشتوانه‌های قبیله‌ای و اجتماعی داخلی، عامل دیگری است که استمرار حرکت را تضمین کرده است (AI-). (Iryani, 2023) این ترکیب حمایت خارجی و ظرفیت‌های بومی، امکان بهره‌مندی از آموزش، حمایت معنوی و منابع نظامی را فراهم کرده و همزمان استقلال نسبی جنبش را حفظ می‌کند.

عامل زمان و فرسایش نیروهای ضدحرکت نیز در تثبیت موقعیت انصارالله نقش دارد. طولانی‌شدن جنگ نه‌تنها موجب فرسایش ائتلاف سعودی و متحدان آن شده، بلکه تجربه‌های میدانی و توان عملیاتی جنبش را نیز افزایش داده است (Brookings, 2020). علاوه بر این، ضعف ساختاری نیروهای ضدحرکت، ازجمله اختلافات داخلی و فقدان مشروعیت دولت مستقر در عدن، فرصت بیشتری برای حرکت مقاومت فراهم کرده است (UN Security Council, 2020).

#### ۲-۴. مؤلفه‌های ضدحرکت

در برابر حرکت مقاومت اسلامی، مجموعه‌ای از نیروهای ضدحرکت قرار دارند. ائتلاف سعودی-اماراتی با اتکا به پشتیبانی نظامی و مالی غرب، اصلی‌ترین نیروی بازدارنده است (Juneau, 2020). این ائتلاف با حملات گسترده و مداوم، تلاش می‌کند عرصه حرکت را محدود کرده و انسجام اجتماعی و نظامی یمن را تضعیف کند. جریان‌های تکفیری و افراطی مانند القاعده و داعش نیز نقش ضدحرکت دارند و با اقدامات تروریستی و ایجاد ناامنی، انسجام اجتماعی و امنیتی یمن را هدف قرار داده‌اند (Johnsen, 2016). فشارهای اقتصادی و تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه از سوی آمریکا و متحدانش، بخشی دیگر از تلاش‌های ضدحرکت برای فرسایش قدرت جنبش به‌شمار می‌رود (International Crisis Group, 2022).

علاوه بر این، استمرار جنگ و محاصره اقتصادی به عنوان میدان‌های تحمیلی، تحرک جنبش را محدود کرده و زندگی روزمره مردم را با بحران مواجه ساخته است (Brehony, 2015). این چالش‌ها، در کنار بحران‌های انسانی و اقتصادی در مناطق تحت کنترل انصارالله، از مهم‌ترین موانع داخلی برای تداوم حرکت محسوب می‌شوند (United Nations, 2022).

#### ۳-۴. ارزیابی کلی وضعیت مقاومت

تحلیل براساس نظریه حرکت و ضدحرکت نشان می‌دهد که مقاومت اسلامی یمن در مرحله تثبیت قرار دارد. مؤلفه‌های حرکت توانسته‌اند بخش قابل توجهی از فشارهای ضدحرکت را خنثی کنند و دستاوردهایی همچون حفظ موجودیت سیاسی-نظامی، افزایش مشروعیت مردمی و تبدیل شدن به بازیگری مؤثر در محور مقاومت را به همراه داشته‌اند.

باین حال، تداوم فشارهای خارجی، محدودیت‌های اقتصادی و بحران‌های انسانی همچنان چالش‌های جدی پیش روی جنبش هستند. آینده مقاومت اسلامی یمن بستگی به توانایی آن در تقویت همراهان داخلی، تعمیق پیوند با محور مقاومت و خنثی سازی فشارهای ضدحرکت دارد. در صورت موفقیت در مدیریت این مؤلفه‌ها، ظرفیت گسترش و تأثیرگذاری جنبش در منطقه افزایش خواهد یافت و یمن می‌تواند همچنان به یکی از کانون‌های اصلی محور مقاومت تبدیل شود. (Juneau, 2020; International Crisis Group, 2022).

#### ۴-۴. تحلیل و بررسی

تحلیل یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت اسلامی یمن در پرتو نظریه «حرکت و ضدحرکت» ابراهیم برزگر قابل فهم و تبیین است. مطابق این نظریه، هر حرکت اصیل در تقابل با ضدحرکتی شکل می‌گیرد که هدف آن توقف یا تضعیف پویایی جنبش است. مقاومت یمن نیز دقیقاً در چنین فضایی در حال فعالیت است؛ جنبش انصارالله با

بهره‌گیری از رهبری الهام‌بخش، پشتوانه ایدئولوژیک و توان میدانی، درصدد بازتولید قدرت و هویت خود است، درحالی‌که ضدحرکت با ابزارهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای تلاش می‌کند نفوذ و توانایی جنبش را محدود سازد.

یکی از مؤلفه‌های کلیدی که موفقیت حرکت مقاومت را تضمین کرده است، رهبری هوشمندانه سید عبدالملک بدرالدین الحوثی است. رهبری وی با تکیه بر مشروعیت دینی و کاریزمای ایدئولوژیک، انسجام داخلی جنبش را حفظ کرده و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک را هماهنگ ساخته است. این رهبری، در کنار توان نظامی و فناوری‌های موشکی و پهپادی انصارالله، موجب شده است مقاومت یمن بتواند عملیات خود را فراتر از مرزهای داخلی گسترش داده و حتی اهدافی در عربستان و امارات را هدف قرار دهد. در واقع، تعامل میان حرکت و ضدحرکت، نه تنها به فرسایش قدرت جنبش نینجامیده بلکه موجب بازتولید ظرفیت‌ها و مشروعیت آن نیز شده است.

مؤلفه دیگر، بیداری و آگاهی سیاسی-اجتماعی مردم یمن است. مداخلات خارجی و تداوم جنگ باعث ارتقای سطح آگاهی عمومی شده و مقاومت را از یک جریان محدود محلی به یک نیروی ملی و منطقه‌ای تبدیل کرده است. این فرایند آگاهی بخشی، زمینه حضور گسترده مردمی در صحنه‌های نظامی و سیاسی را فراهم کرده و ظرفیت بسیج اجتماعی جنبش را افزایش داده است. همراهی مردمی، به ویژه در شرایط سخت محاصره و جنگ، باعث شده است مقاومت بتواند فشارهای ضدحرکت را تا حد زیادی خنثی کند و پایگاه اجتماعی خود را تقویت نماید.

پشتوانه تاریخی و ایدئولوژیک جنبش نیز نقش مهمی در تداوم حرکت ایفا می‌کند. آموزه‌های زیدی و گفتمان مقاومت اسلامی، منبع مشروعیت بخشی و انسجام فکری انصارالله به شمار می‌روند. این توشه فکری، علاوه بر ایجاد انگیزه درونی برای اعضای جنبش، امکان پایداری در مقابل فشارهای خارجی و داخلی را فراهم کرده است. پیوند

ایدئولوژیک و فکری با جمهوری اسلامی ایران و حمایت‌های معنوی و آموزشی محور مقاومت، توانسته است ضمن حفظ استقلال نسبی جنبش، منابع و امکانات لازم برای تقویت توان عملیاتی و میدانی را فراهم کند.

در مقابل، نیروهای ضدحرکت شامل ائتلاف سعودی-اماراتی، جریان‌های تکفیری و افراطی، تحریم‌های اقتصادی و فشارهای دیپلماتیک بین‌المللی هستند که هر یک با ابزارهای خاص خود تلاش دارند توان مقاومت را کاهش دهند. ائتلاف سعودی-اماراتی با پشتیبانی تسلیحاتی و مالی غرب، حملات گسترده‌ای را علیه یمن سازمان‌دهی کرده است، درحالی‌که جریان‌های تکفیری با اقدامات تروریستی و ایجاد ناامنی، انسجام اجتماعی و امنیتی یمن را هدف قرار داده‌اند. فشارهای اقتصادی و محاصره، محدودیت‌های دارویی و غذایی و بحران‌های انسانی، از دیگر چالش‌هایی هستند که توان بسیج و مشروعیت اجتماعی جنبش را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

باین حال، بررسی تعامل میان حرکت و ضدحرکت نشان می‌دهد که هرچه فشارهای ضدحرکت افزایش یافته، جنبش انصارالله توانسته است ظرفیت‌های خویش را بازسازی و ارتقا دهد. برای مثال، حملات گسترده ائتلاف سعودی موجب شد مقاومت یمن توان موشکی و پهپادی خود را توسعه داده و به عمق خاک عربستان و امارات ضربه وارد کند. این تجربه، الگوی دیالکتیکی تعامل حرکت و ضدحرکت را نمایان می‌سازد؛ به طوری‌که فشار دشمن نه تنها موجب تضعیف جنبش نشده، بلکه ظرفیت بازتولید قدرت و مشروعیت آن را افزایش داده است.

از منظر آینده پژوهانه، تقابل میان حرکت و ضدحرکت در یمن احتمالاً در سه سناریوی اصلی بروز خواهد یافت: نخست، تداوم مقاومت و تثبیت سیاسی انصارالله در ساختار قدرت یمن؛ دوم، تشدید فشارهای خارجی همراه با افزایش خوداتکایی و انسجام

داخلی جنبش؛ و سوم، گسترش نفوذ منطقه ای مقاومت یمن در چارچوب محور مقاومت. این سناریوها نشان می دهند که علی رغم فشارهای گسترده، ظرفیت های حرکت غالباً بر ضد حرکت غلبه داشته و چشم انداز آینده به سود تثبیت و توسعه مقاومت اسلامی خواهد بود.

در نهایت، یافته ها حاکی از آن است که نظریه حرکت و ضد حرکت، چارچوبی مناسب برای تحلیل پویایی های پیچیده مقاومت اسلامی یمن فراهم می آورد و توانایی تبیین تعامل میان ظرفیت ها و چالش های داخلی و خارجی جنبش را دارد. براساس این چارچوب، قدرت مقاومت اسلامی نه تنها در مقابله با فشارهای ضد حرکت قابل درک است، بلکه می تواند الگویی برای تحلیل سایر جنبش های مقاومت منطقه ای نیز باشد.

## ۵. بحث، نتیجه گیری و پیشنهادها

### ۵-۱. بحث

نتایج این پژوهش در پرتو مطالعات پیشین نشان می دهد که مقاومت اسلامی یمن، هم راستا با دیگر حرکت های محور مقاومت، از الگوی «حرکت و ضد حرکت» تبعیت می کند. مشابه پژوهش های انجام شده درباره لبنان و فلسطین، یافته ها بیانگر آن است که نقش رهبری کاریزماتیک، پشتوانه های ایدئولوژیک و مشارکت مردمی عناصر اصلی حرکت اند، در حالی که فشارهای خارجی و تضادهای داخلی کارکرد ضد حرکت را ایفا می کنند. این همخوانی، اعتبار نظریه برزگر در تحلیل روندهای مقاومت اسلامی را تأیید می نماید.

از نظر اهمیت نظری، پژوهش حاضر به غنای ادبیات علمی پیرامون مقاومت اسلامی کمک می کند و نظریه حرکت و ضد حرکت را در بستر یمن آزمون می نماید. از نظر عملی

نیز، یافته‌ها می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و طراحی راهبردهای محور مقاومت برای مدیریت چالش‌های آینده به کار گرفته شوند.

باین حال، پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه است؛ نخست آنکه داده‌ها صرفاً مبتنی بر منابع اسنادی بوده و امکان بررسی میدانی شرایط یمن فراهم نبوده است. دوم آنکه تمرکز تحقیق بر نظریه برزگر، احتمالاً مانع از توجه کافی به سایر رویکردهای نظری در حوزه مقاومت اسلامی شده است. این محدودیت‌ها می‌تواند در تحقیقات آینده مورد توجه قرار گیرد.

بر این اساس، می‌توان گفت که نظریه حرکت و ضدحرکت، با تبیین دیالکتیکی شرایط یمن، امکان تحلیل جامع‌تری از روند مقاومت را فراهم می‌کند. درحالی‌که بسیاری از تحلیل‌های رایج بر ابعاد صرفاً سیاسی یا نظامی متمرکز بوده‌اند، چارچوب نظری این پژوهش نشان داد که پایداری مقاومت نه فقط محصول توان نظامی، بلکه نتیجه ترکیب رهبری، ایدئولوژی، انسجام اجتماعی و شرایط میدانی است.

## ۵-۲. نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که مقاومت اسلامی یمن را می‌توان براساس نظریه حرکت و ضدحرکت در قالب یک فرآیند دیالکتیکی تحلیل کرد؛ فرآیندی که در آن عناصر حرکت مانند رهبری الهام‌بخش، پشتوانه ایدئولوژیک و مشارکت مردمی همواره با موانع ضدحرکت همچون فشارهای بین‌المللی، بحران‌های داخلی و محدودیت‌های اقتصادی در تعامل هستند. جمع‌بندی نتایج نشان می‌دهد که علی‌رغم شدت فشارهای خارجی و چالش‌های داخلی، استمرار مقاومت یمن ناشی از توان بسیج اجتماعی و پیوند آن با گفتمان محور مقاومت است.

بر این اساس، می‌توان چند سناریوی آینده برای مقاومت اسلامی یمن ترسیم کرد: نخست، تداوم وضعیت کنونی با تثبیت نسبی موقعیت مقاومت و فرسایشی شدن

---

درگیری‌ها؛ دوم، تقویت جریان حرکت با افزایش همگرایی محور مقاومت و ارتقای ظرفیت‌های سیاسی-اجتماعی یمن؛ و سوم، تضعیف مقاومت در صورت تشدید فشارهای خارجی و افزایش شکاف‌های داخلی. این سناریوها، بسته به تعامل میان نیروهای حرکت و ضدحرکت، می‌توانند مسیر آینده تحولات یمن را شکل دهند.

### ۳-۵. پیشنهادها

در کنار این جمع‌بندی، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به مقایسه تطبیقی نظریه حرکت و ضدحرکت در بسترهای مختلف منطقه‌ای (مانند فلسطین، عراق و لبنان) بپردازند تا ظرفیت تعمیم‌پذیری آن روشن‌تر شود. همچنین، استفاده از روش‌های میدانی و مصاحبه‌های عمیق می‌تواند داده‌های دقیق‌تری درباره وضعیت مقاومت یمن فراهم آورد. از نظر سیاست‌گذاری، توجه به تقویت عناصر حرکت از جمله انسجام داخلی، توان رسانه‌ای و حمایت‌های منطقه‌ای، می‌تواند برای بازیگران محور مقاومت راهبردی تلقی شود.

## ۶. منابع

### ۶-۱. منابع فارسی

- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲). نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی. پژوهش حقوق عمومی، ۵(۸)، ۷۳-۳۹.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۰). اندیشه سیاسی امام خمینی؛ سیاست به مثابه صراط، تهران، سمت.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۱). استعاره صراط در اندیشه سیاسی سید قطب، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۴). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- برزگر، ابراهیم (۱۴۰۲). صراط؛ سیاست فهمی و سیاست سازی در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- برزگر ابراهیم. (۱۴۰۳). کاربرد نظریه حرکت و ضدحرکت در بازتاب انقلاب اسلامی. خواجه سروی، غلامرضا؛ سوری، فاطمه. (۱۴۰۳). آینده نبرد ترکیبی محور مقاومت اسلامی و اسرائیل در چشم‌انداز ۲۰۳۰. فصلنامه روابط خارجی. ۱۶(۱)، ۱۴۷-۱۷۰.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ نیکونهاد، ایوب؛ محمدی، زهره. (۱۴۰۰). سناریوهای پیش روی آینده محور مقاومت براساس عدم قطعیت‌های بحرانی. پژوهشنامه انقلاب اسلامی. ۴۱(۱۱)، ۱۹-۴۰.
- محسنی، سجاد(۱۴۰۱). متغیرهای تأثیرگذار بر آینده زنجیره مقاومت در منطقه غرب آسیا با تاکید بر یمن، عراق، سوریه و لبنان. روابط خارجی. ۵۵(۱۴)، ۱۹۵-۲۲۷.
- محمدی، سعید؛ نجات پور، مجید؛ نوروزی، مجتبی (۱۴۰۲). دهه پنجم انقلاب اسلامی و تصویر آینده جبهه مقاومت. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی. ۱۲(۳)، ۷-۲۸.

محمودی رجا، سید زکریا؛ باقری دولت آبادی، علی؛ راوش، بهنام. (۱۳۹۷). بررسی محور مقاومت و آینده نظام سلطه با استفاده از نظریه نظام جهانی. فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۷(۱۴)، ۲۸-۷.

نصر اصفهانی، محسن؛ ترجمان، فریبا؛ کاظمی، احمد (۱۴۰۲). آینده جایگاه محور مقاومت در پرتو هندسه قدرت جهانی. سیاست متعالیه. ۱۱(۲)، ۲۳۳-۲۵۰.

وقوفی، امید (۱۳۹۹). نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت و پشتیبانی از مردم یمن. مطالعات سیاست خارجی تهران، ۱۶(۴)، ۱۳۸-۱۸۸.

## ۲-۶. منابع انگلیسی

- Al-Muslimi, F. (2019). Rethinking Yemen's economy. Sana'a Center for Strategic Studies. Sana'a Center for Strategic Studies
- Almuslimi, F. (2020). The Houthis and the changing dynamics of Yemen's war. Carnegie Middle East Center. <https://carnegie-mec.org/2020/06/04/houthis-and-changing-dynamics-of-yemen-s-war-pub-81967>
- Almuslimi, F. (2020). Yemen's war: Regional dynamics and local consequences. Middle East Institute.
- Bonnefoy, L. (2018). Yemen and the world: Beyond insecurity. Oxford University Press.
- Brehony, N. (2015). Yemen and the Huthis: Genesis of the 2015 crisis. London: Chatham House.
- Brehony, N. (2015). Yemen divided: The story of a failed state in South Arabia. I.B. Tauris.
- Brookings Institution. (2020). The war in Yemen: Regional and international dimensions. Washington, DC: Brookings Institution.
- Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Eds.). (2018). The SAGE handbook of qualitative research (5th ed.). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Flick, U. (2014). An introduction to qualitative research (5th ed.). London: SAGE Publications.
- International Crisis Group. (2021). Rethinking peace in Yemen. (Middle East Report No. 216). <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/gulf-and-arabian-peninsula/yemen/216-rethinking-peace-yemen>
- International Crisis Group. (2022). The Huthis and Yemen's war of attrition. Brussels: International Crisis Group.
- International Institute for Strategic Studies (IISS). (2022). The military balance 2022. Routledge.

- 
- Johnsen, G. D. (2016). *The last refuge: Yemen, al-Qaeda, and America's war in Arabia*. New York: W. W. Norton.
- Juneau, T. (2020). The Houthis and Yemen's war: Domestic and regional dynamics. *Middle East Policy*, 27(1), 68–78. <https://doi.org/10.1111/mepo.12498>
- Juneau, T. (2021). Iran's policy toward the Houthis in Yemen: A limited return on a modest investment. *International Affairs*, 97(4), 1049–1067. <https://doi.org/10.1093/ia/iab082>
- Knights, M. (2020). *The Houthi war machine: From guerrilla war to state capture*. The Washington Institute for Near East Policy. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/houthi-war-machine-guerrilla-war-state-capture>
- Krippendorff, K. (2004). *Content analysis: An introduction to its methodology* (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Mayring, P. (2014). *Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution*. Klagenfurt, Austria: Beltz.
- Salmoni, B. A. Loidolt, B. & Wells, M. (2010). *Regime and periphery in northern Yemen: The Huthi phenomenon*. Santa Monica, CA: RAND Corporation.
- Salisbury, P. (2020). *Yemen: National chaos, local order*. Chatham House. <https://www.chathamhouse.org/2020/12/yemen-national-chaos-local-order>
- Salisbury, P. (2020). *Yemen's southern powder keg*. Chatham House.
- Sana'a Center for Strategic Studies. (2025). *Yemen at a crossroads: Prospects for peace and reconstruction*. Sana'a: Sana'a Center for Strategic Studies.
- United Nations. (2022). *Yemen: Report of the Panel of Experts submitted to the Security Council*. New York: United Nations.
- United Nations Panel of Experts on Yemen. (2022). *Final report of the Panel of Experts on Yemen pursuant to Security Council resolution 2564 (2021)*. United Nations Security Council.

## تحولات ژئوپلیتیکی محور مقاومت از منظر رئالیسم نئوکلاسیک

۲۰۲۵ - ۲۰۱۵

حسن جعفرزاده<sup>۱</sup>،

بنیامین طاهری<sup>۲\*</sup>،

حمید خسروی<sup>۳</sup>،

### چکیده

تحولات ژئوپلیتیکی منطقه غرب آسیا در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵، به‌ویژه در سه ساله اخیر، ساختار، کارکرد و منطق راهبردی «محور مقاومت» را با دگرگونی‌هایی جدی مواجه ساخته است. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه رئالیسم نئوکلاسیک و چارچوب بازدارندگی شبکه‌ای، در پی تبیین به این مسئله است که چگونه تغییرات امنیتی و سیاسی منطقه‌ای، به‌ویژه پس از درگیری‌های گسترده میان محور مقاومت و رژیم اسرائیل از ۲۰۲۳ به بعد، بر نوع بازدارندگی و قدرت راهبردی این محور اثر گذاشته‌اند.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی با گرایش آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران.  
Email: jafarzadeh98hsn@gmail.com

۲. دانشجو دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه جامع انقلاب اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)  
Email: benyamin.taheri021@gmail.com.

۳. استادیار، دانشگاه جامع امام حسین، تهران، ایران  
Mahdiy9595@Gmail.com Email: